

تدوین و اعتباربخشی الگوی نظری تبیین اعتراض‌های اجتماعی

در ایران: ارائه راه‌کارها



مصطفی قربانی^۱، سجاد فرخی پور^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۶

چکیده:

با وجود وقوع اعتراض‌های ادواری در یک دهه اخیر در ایران و همچنین، تشدید سویه‌های رادیکال این اعتراض‌ها، بررسی‌ها نشان می‌دهد که استخدام رویکردهای تک‌متغیری، مانع از حصول انگاره جامعی از متغیرهای ایجاد این اعتراض‌ها شده است. هدف: بنابراین، به منظور درک دقیق‌تر و عوامل ایجاد اعتراض‌های اجتماعی در ایران، پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این سؤال است که عوامل و متغیرهای مختلف دخیل در ایجاد اعتراض‌های اجتماعی در ایران امروز کدام هستند و وزن و جایگاه هر کدام از آنها در شکل‌گیری اعتراض‌ها به چه میزان است؟ فرض بر آن است که عوامل متعدد ایجاد نارضایتی در جامعه ایران، در ضعف نهادهای واسطه، با تأثیر بر صورت‌بندی شکاف‌های اجتماعی و ماهیت دولت، از متغیرهای حیاتی در شکل‌گیری اعتراض‌های اجتماعی در ایران هستند. روش: برای تحقق اهداف یادشده، از روش «مدل‌سازی معادله ساختاری» استفاده شده است. یافته‌ها: بر این اساس، با مرور نظام‌مند پیشینه تحقیق، مصاحبه نیمه ساختاریافته با نخبگان و سندپژوهی، ۳۲ گزاره ابتدایی کشف و شناسایی شد که در مراحل بعدی تحقیق، مورد اعتباربخشی قرار گرفتند که پس از رسیدن به اشباع نظری و تحلیل محتوا، پایایی تحقیق بر مبنای شاخص کرونباخ آلفا از همبستگی پیرسون تعیین شد. همچنین، نتایج تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد که بر اساس ارزش ایگن، به ترتیب پنج محور اصلی (اقتصادی، فرهنگی-نگرشی، اجتماعی، ساختاری-نهادی و رسانه‌ای-شناختی) و بر اساس بار عاملی، ۲۰ متغیر ذیل آن‌ها، در شکل‌گیری اعتراض‌ها در ایران نقش دارند. افزون بر آن، نتایج حاصل از تحلیل عاملی تأییدی، حاکی از انطباق معنادار انگاره حاصل‌شده با واقعیت‌های محیطی اعتراض‌ها در ایران است.

واژگان اصلی: اعتراض‌های اجتماعی، محرومیت نسبی، ماهیت دولت، شکاف‌های اجتماعی.

^۱. استادیار علوم سیاسی مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی (ره)، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

mahboub1395@gmail.com

^۲. استادیار زبان انگلیسی مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی (ره)، قم، ایران.

مقدمه و بیان مساله

بررسی اعتراض‌های اجتماعی در ایران نشان می‌دهد که جامعه ایران بعد از جنگ تحمیلی با اعتراض‌های ادواری مواجه شده است. در واقع، اعتراض‌های اجتماعی این برهه را از نقطه نظر بازه زمانی و ویژگی‌ها می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: اعتراض‌های قبل از نیمه دوم دهه ۱۳۹۰ و اعتراض‌های نیمه دوم دهه ۱۳۹۰ به بعد. اعتراض‌ها به وضعیت اقتصادی و حوادث تیر ماه ۱۳۷۸ تا اعتراض‌های بنزینی در تیرماه ۱۳۸۶ و اعتراض‌ها به نتیجه دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۸ مهمترین حرکت‌های اعتراضی دسته اول است. اعتراض‌های صنفی متعدد و متداوم از قبیل اعتراض‌های معلمان، رانندگان، بازنشستگان، ایثارگران، مال‌باختگان برخی مؤسسه‌های اعتباری و...، اعتراض‌های سال‌های ۱۳۹۶، ۱۳۹۸ و همچنین اعتراض‌های سال ۱۴۰۱ نیز مهمترین اعتراض‌های رخ داده در نیمه دوم دهه ۱۳۹۰ به بعد می‌باشد. تفاوت اعتراض‌ها در این دو مقطع آن است که اعتراض‌های مقطع دوم علاوه بر متداوم بودن، ماهیت بی‌سر، همه‌گیر و کور داشته، رسانه‌پایه بوده، با شدت خشونت و دامنه نسبتاً وسیع تخریب همراه بوده‌اند و همچنین، ترکیب شرکت‌کنندگان (به طور عمده جوانان) در آنها نیز نسبتاً متفاوت از گذشته بوده است. در تحلیل این اعتراض‌ها، به طور عمده به نقش متغیرهای اقتصادی، فضای مجازی و توطئه دشمنان خارجی برای ایجاد ناامنی در ایران اشاره می‌شود. این در حالی است که این متغیرها تنها عامل اعتراض نبوده، بلکه در کنار اینها، باید به سایر متغیرهای داخلی تأثیرگذار بر وقوع اعتراض در ایران هم توجه کرد. مواجهه کارآمد با این اعتراض‌ها یا به عبارت دقیق‌تر، ارائه پاسخ معتبر به مطالبات اجتماعی و حل و رفع بسترهای داخلی نارضایتی و اعتراض در گام اول نیازمند درک دقیق بسترها و عوامل ایجاد نارضایتی و اعتراض است. بنابراین، مسأله پژوهش حاضر، ارائه الگویی نظری برای تبیین اعتراض‌های اجتماعی در ایران امروز می‌باشد که در آن، ضمن بازنمایی نقش و جایگاه عوامل و متغیرهای مختلف دخیل در ایجاد اعتراض‌های اجتماعی، چگونگی یا مکانیسم وقوع اعتراض نیز تبیین شود. فرض بر این است که عوامل متعدد ایجاد نارضایتی در جامعه ایران، در ضعف نهادهای واسط، با تأثیر بر صورت‌بندی شکاف‌های اجتماعی و ماهیت دولت سبب اعتراض می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

با وجود اهمیت اعتراض‌های اجتماعی در ایران، تا کنون نه تبیینی نظری در این باره صورت گرفته و نه اثر جامعی در این زمینه منتشر شده است. معهود آثار موجود در این زمینه نیز بیشتر بر تأثیر یک

متغیر خاص بر وقوع اعتراض در ایران متمرکز بوده است. برخی از این آثار به شرح زیر است:

سردارنیا و البرزی (۱۴۰۱) در مقاله «تحلیل اعتراضات صنفی - اجتماعی اخیر در ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶)» از منظر نظریه سیاست خیابان» ضمن بیان تمایزهای ماهوی و شکلی اعتراض‌های اجتماعی از دی ماه ۱۳۹۶ به بعد با اعتراض‌های گذشته، با تحلیل محتوای شعارهای معترضان و اظهارات کارشناسان، متغیرهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، انگیزشی، محیط‌زیستی و حقوقی را در وقوع این اعتراض‌ها دخیل می‌دانند که در میان آنها، متغیرهای اقتصادی بالاترین نقش را داشته‌اند. این مقاله ضمن احصای ویژگی‌های اعتراض‌های اخیر رخ داده در ایران، اما فاقد یک الگوی نظری است که در آن ارتباط عوامل متعدد تأثیرگذار در رخداد اعتراض‌ها را تبیین کرده و نشان دهد. همچنین، حسین‌پور و رشیدی (۱۴۰۰) در مقاله «اعتراضات دی ماه ۹۶ از منظر تئوری جامعه شبکه‌ای» به بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در وقوع اعتراض‌های دی ماه ۱۳۹۶ پرداخته‌اند. علی‌رغم مفید بودن، اما این مقاله تنها به بررسی یکی از عوامل وقوع اعتراض در ایران پرداخته است. در مطالعه‌ای دیگر حسینی‌زاده آرانی (۱۴۰۱)، در مقاله «تحلیلی بر ریشه‌های اجتماعی شکل‌گیری و بروز نارضایتی‌های اجتماعی در ایران (مطالعه موردی شهروندان تهرانی)» با روش اسنادی - پیمایشی به مؤلفه‌های احساس محرومیت نسبی، توقعات فزاینده، احساس بی‌عدالتی و بی‌هنجاری اجتماعی و... به عنوان ریشه‌های بروز نارضایتی‌های اجتماعی دست یافته و در این میان، بیشترین اثرگذاری مستقیم بر نارضایتی‌های اجتماعی را مربوط به احساس محرومیت نسبی و توقعات فزاینده می‌داند. با وجود مفید بودن، اما این مقاله صرفاً به متغیرهای سطح جامعه اشاره کرده و به متغیرهای سطح دولت (نظام سیاسی) در وقوع نارضایتی‌های اجتماعی در ایران اشاره‌ای نکرده است. در همین راستا مصلی‌نژاد (۱۴۰۰) در مقاله «دولت، توسعه و بحران‌های اجتماعی ایران ۱۳۹۸-۱۳۷۱» به بررسی نقش و جایگاه ساخت دولت و چگونگی سیاست‌گذاری اقتصادی - اجتماعی دولتی در شکل‌گیری بحران‌های سیاسی اجتماعی سه دهه اخیر ایران پرداخته و در این میان، بر نظام دسترسی محدود و شکل‌گیری مناسبات معطوف به توزیع رانت به عنوان کانون شکل‌گیری بحران‌های اجتماعی در ایران تأکید دارد. با وجود تأکید بدیع نویسنده به جایگاه ساخت دولت و چگونگی سیاست‌گذاری اقتصادی - اجتماعی در شکل‌گیری بحران‌های اجتماعی در ایران، اما واقعیت آن است که این بحران‌ها صرفاً منشأ دولتی ندارند. ضمن این که تلقی مقاله حاضر از ساخت دولت اندکی با تلقی نویسندگان تفاوت دارد. همچنین، محمدی خانقاهی، کشاورز شکری، غفاری هشجین (۱۴۰۲)، در

مقاله «تحلیل لایه‌های علی نارضایتی اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران»، ضمن احصای عوامل ایجاد نارضایتی اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران در چهار لایه لیتانی، سیستمی، گفتمانی و استعاره‌ای، در نهایت به طرح سناریوهای مختلف درباره آینده وضعیت نارضایتی‌های اجتماعی در ایران پرداخته‌اند. این مقاله نیز ضمن احصای دقیق عوامل ایجاد نارضایتی اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران، اما وزن و جایگاه هر کدام از این عوامل را مشخص نکرده است. با توجه به آنچه گفته شد، در پژوهش حاضر اعتراض‌های اجتماعی در ایران محصول هم‌افزایی متقابل متغیرهای اجتماعی، متغیر ساخت دولت و همچنین، دخالت‌های خارجی تلقی می‌شود و به جای اتخاذ رویکردی یک‌جانبه در تحلیل این اعتراض‌ها، رویکردی جامع مدنظر است. علاوه بر این، تلاش می‌شود تا با شناسایی متغیرهای متعدد تأثیرگذار بر شکل‌گیری اعتراض‌های اجتماعی در ایران، با نظرخواهی از نخبگان و صاحب‌نظران، وزن و جایگاه هر یک از این متغیرها مشخص شود.

۲-۱. تعریف مفاهیم

مهمترین مفهوم پژوهش حاضر، «اعتراض» است. اعتراض در لغت به معنای انتقاد، ایراد، وخواهی، مؤاخذه، تعرض، خرده‌گیری و... است (فرهنگ معین). «فرهنگ لغت کمبریج»، اعتراض را به «یک شکایت قوی که بیانگر مخالفت، عدم تأیید یا مخالفت است» معنا کرده است (<https://dictionary.cambridge.org>). از دیدگاه «لیپسکی»، اعتراض نوعی کنش سیاسی با نمایش‌های غیرعادی است که معمولاً از سوی گروه‌های تقریباً بی‌قدرت انجام می‌شود (مشیرزاده، ۱۳۸۱: ۱۲). در تعریفی دیگر، اعتراض هر گونه مخالفت با یک ایده یا یک عمل به صورت گفتاری، نوشتاری یا عملی است که با توجه به ماهیت افراد شرکت‌کننده در آن، تعداد آنها و ابزارهای مورد استفاده آنها، انواع متفاوتی دارد (پیران، ۱۳۸۴: ۳۷). دپتر نیز فعالیت اعتراضی را شیوه‌ای از کنش سیاسی با هدف اعلام نارضایتی از سیاست‌ها و شرایط موجود می‌داند که مشخصه آن، دست یازیدن به اقدامات نامتعارف است (دپتر، ۱۳۹۵: ۷۷). با توجه به آنچه گفته شد، اعتراض عبارت است از اعلام نارضایتی نسبت به وضع موجود که شیوه ابراز آن ممکن است غیرمتعارف هم باشد. با این حال، اعتراض‌های جمعی که همراه با ناامنی، خشونت و بی‌ثباتی باشد، «شورش» نامیده می‌شود.

۲-۲. چارچوب نظری: جامعه‌شناسی سیاسی اعتراض در ایران

اگرچه نمی‌توان نقش عوامل خارجی را در وقوع اعتراض در ایران نادیده گرفت، اما از این واقعیت

هم نمی‌توان غفلت کرد که بسترهایی از نارضایتی و اعتراض در داخل کشور وجود دارد که با وجود آنها، امکان دخالت عوامل خارجی در ایران فراهم می‌شود. بر این اساس در بررسی و تحلیل نارضایتی‌ها و اعتراض‌های جامعه ایران، حداقل می‌توان در پنج حوزه اساسی و از پنج زاویه تحلیلی متفاوت به بیان و تشریح بسترهای شکل‌گیری نارضایتی و اعتراض در ایران پرداخت.

۲-۱. مشکلات اقتصادی

از نقطه نظر اقتصادی، اگر چه در سال‌های اخیر، توان اقتصادی و قدرت خرید لایه‌هایی از جامعه ایران به صورت واقعی با افت مواجه شده،^۱ اما واقعیت غیرقابل انکار آن است که به لحاظ اقتصادی، هم‌اکنون لایه‌های برخوردار جامعه نیز نارضاضی و معترض هستند. نکته مهم در این زمینه آن است که در حالی که دسته اول به دلایل واقعی از وضع موجود نارضاضی است، اما دسته دوم (لایه‌های برخوردار)، نه به دلایل واقعی، بلکه به دلایل ذهنی و روانی از وضع موجود اقتصادی نارضاضی است؛ زیرا دسته دوم، به لحاظ برخورداری‌های واقعی، سطح برخورداری‌هایش با رشد مواجه شده، اما این که چرا با وجود افزایش سطح برخورداری‌ها از وضع موجود اقتصادی نارضاضی است، به افزایش سطح توقعات آنها برمی‌گردد. برای توضیح این وضعیت باید از مفهومی به نام «احساس محرومیت نسبی» نام برد. این احساس در اثر فاصله میان برخورداری‌ها و توقعات (فاصله میان توانایی‌های ارزشی و برخورداری‌های ارزشی) رخ می‌دهد (ر.ک: گر، ۱۳۷۷: ۹۰-۸۰)؛ یعنی ممکن است فردی به لحاظ تجربه واقعی، برخوردار باشد، اما چون به لحاظ ذهنی توقعات زیادی دارد، احساس محرومیت کند. در این شرایط، فرد مفروض بدون آن که به لحاظ واقعی محروم باشد، اما احساس محرومیت می‌کند. این وضعیت هم‌اکنون از جامعه ایران انتزاع می‌شود؛ زیرا اگر چه درصدی از محرومیت واقعی در کشور وجود دارد و نمی‌توان منکر آن شد، اما ارزیابی شهروندان از محرومیت، بسیار بیشتر از واقعیت است که دلیل این وضعیت به همان احساس محرومیت نسبی مربوط می‌شود (ر.ک: قربانی، شیری، ۱۴۰۰: ۱۰-۷). بنابراین، در حالی که مشکلات اقتصادی به طور واقعی در کشور وجود دارد و نمی‌توان منکر آن شد، اما واقعیت آن است که نارضایتی اقتصادی بیشتر از ناحیه احساس محرومیت نسبی می‌باشد.

^۱ بنا به آمار رسمی، قدرت خرید ایرانیان در سال ۱۴۰۱، در مقایسه با سال ۱۳۹۰، یک سوم شده است (https://fararu.com).

۲-۲-۲. تغییرات فرهنگی - نگرشی (ارزشی)

درباره وضعیت طبقات اجتماعی در ایران و نسبت آنها با نارضایتی‌ها و اعتراض‌های موجود در جامعه ایران باید گفت که کانون نارضایتی امروزه در میان طبقه متوسط جدید(شهری) قرار دارد. در توضیح باید گفت که طبقه متوسط شهری هم اکنون اگرچه به لحاظ اقتصادی با افت سرمایه مواجه شده، اما به لحاظ سرمایه فرهنگی با رشد مواجه شده(ر.ک: نیری، رفیعی، سمیعی اصفهانی، ۱۳۹۸: ۱۳۴) و به همین دلیل، هم اکنون ارزش‌ها و شیوه زندگی این طبقه عمومیت یافته تلقی می‌شود. درباره رشد سرمایه فرهنگی طبقه متوسط شهری می‌توان به تغییر سبک زندگی، تغییر نسبی ذائقه‌ها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و الگوها در لایه‌هایی از جامعه به‌ویژه طبقه متوسط شهری اشاره کرد. مهمترین دلایل این تغییرات، علاوه بر تغییرات جمعیتی مانند افزایش تعداد زنان و جوانان در هرم جمعیتی کشور، به توسعه امواج جهانی سازی غرب در ایران، توسعه رسانه‌ها به‌ویژه فضای مجازی، جنگ شناختی دشمنان و... برمی‌گردد(ر.ک: قربانی، مصطفی‌پور، ۱۴۰۲). مبتنی بر این دلایل، مطالبات معطوف به تغییر در فضای فرهنگی جامعه مطرح می‌شود. در این شرایط، پتانسیل‌های انتقادی - اعتراضی طبقه متوسط شهری تقویت شده، اما این الزاماً به معنای حمایت آنها از اعتراض یا تمایل و آمادگی آنها برای ورود به فاز آشوب نیست. در صحت این گزاره می‌توان به عدم همراهی طبقه متوسط شهری با معترضان اخیر در جریان اعتراض(آشوب)های پائیز سال ۱۴۰۱ اشاره کرد. با این حال نکته اساسی درباره طبقه متوسط، با توجه به شرایط پیش گفته، آن است که این پتانسیل اعتراضی آنها در عمل در فضای رسانه‌ای(به طور عمده فضای مجازی) و در برهه‌هایی مانند انتخابات خود را نشان می‌دهد؛ بدین ترتیب که آنها در فضای مجازی یا خود علیه سیاست‌های نظام موضع‌گیری می‌کنند یا به راحتی با موج‌های ایجاد شده علیه سیاست‌ها و رفتارهای نظام همراهی می‌کنند. در بستر انتخابات نیز یا در انتخابات شرکت نمی‌کنند یا اگر شرکت کنند، به کاندیداهایی رأی می‌دهند که مواضع‌شان حاوی سویه‌های انتقادی، حمله به وضع موجود و برخی سیاست‌های نظام باشد. در واقع، طبقه متوسط شهری را می‌توان در زمره «ناراضیان منفعل» قلمداد کرد که اگرچه صف آن از ضدانقلاب جداست و در اردوکنی خیابانی وارد نمی‌شوند، اما این ناراضیان منفعل، با راهبرد «پیشروی آرام»(see: Bayat, 2010) درصدد به چالش کشیدن و اعتبارزدایی از معناهای مسلطی هستند که نظام تعریف می‌کند. در واقع، آنها با پیشروی آرام در حوزه‌های فرهنگ، هویت و سبک زندگی در حال مبارزه منفی با نظام هستند. منظور از پیشروی آرام، عدم تبعیت و بلکه مخالفت با

خواست‌ها و شیوه‌های رسمی و پیگیری موارد دلخواه خود در زندگی شخصی و اجتماعی است. به عنوان مثال، در حالی که رعایت حجاب مورد تأکید حاکمیت است، اما این لایه‌ها با وجود آگاهی از حساسیت نظام به این مهم، در عمل به آن کم‌توجهی یا بی‌توجهی می‌کنند. در همین زمینه می‌توان گفت این که چرا در اعتراض‌های پائیز سال ۱۴۰۱ به جای طرح مطالبات اقتصادی، مطالبات و موضوع‌های خاص فرهنگی مطرح شد، به این دلیل بود که معترضان، با توجه به گستردگی طبقه متوسط شهری، احساس می‌کردند که طرح این مسائل، فراگیری و شمولیت بیشتری دارد و بهتر می‌تواند حمایت توده‌ای لازم را فراهم آورد.

۲-۲-۳. تعارضی شدن شکاف‌های اجتماعی

شکاف اجتماعی را می‌توان هر پدیده‌ای تعریف کرد که پیرامون آن دیدگاه‌هایی مطرح شده و جامعه را به موافقان و مخالفان تقسیم می‌کند (پرچمی، درخشان، ۱۴۰۰: ۲). اگر پیرامون شکاف‌ها، آگاهی و منفعت سیاسی شکل بگیرد و در سطحی بالاتر، منجر به تشکل‌یافتگی نخبگان سیاسی (ایجاد جریان‌ها و احزاب سیاسی) با توجه به این شکاف‌ها شود، آنگاه این شکاف‌ها فعال‌شده محسوب می‌شوند (بشیریه، ۱۳۸۹: ۱۰۴-۱۰۰). از نقطه نظر شکاف‌های اجتماعی، ایران یک جامعه «تک شکافی فعال» محسوب می‌شود؛ یعنی تنها یک شکاف عمده و فعال وجود دارد که جریان‌های سیاسی پیرامون آن شکل گرفته‌اند. این شکاف، همان شکاف قدیمی «سنت و مدرنیته» است (وحدت، ۱۳۸۲)، اما این بدان معنا نیست که در جامعه ایران شکاف‌های دیگری وجود ندارد. واقعیت آن است که شکاف‌های دیگر در جامعه ایران وجود دارد، اما حداقل تا دو دهه گذشته، غیرفعال بوده‌اند و بنابراین، قادر به تأثیرگذاری بر بازی‌های سیاسی در مواقعی چون انتخابات نبوده‌اند، اما از دو دهه گذشته، به تدریج صورت‌بندی شکاف‌های اجتماعی در ایران از حالت تک شکافی فعال به «تک شکافی متراکم» تغییر یافته است؛ بدین ترتیب که شکاف‌های غیرفعال مانند جنسیت، قومیت، مذهب و تا حدود کمتری شکاف سنی به تدریج فعال شده و بر آن شکاف اصلی (سنت و مدرنیته) بار شده‌اند. وقتی هم شکاف‌های اجتماعی متراکم باشند، پتانسیل منازعه آنها تقویت می‌شود (بشیریه، ۱۳۸۹: ۱۰۶). در واقع، با متراکم شدن شکاف‌های اجتماعی، پتانسیل‌های منازعه هم در سطح جامعه و هم میان نخبگان سیاسی تقویت می‌شود؛ زیرا در این شرایط، رقابت نخبگان سیاسی بیشتر با شکاف‌های اجتماعی پیوند می‌خورد. به زبان ساده‌تر باید گفت که شکاف‌هایی مانند قومیت، جنسیت، مذهب و شکاف سنی که پیش از این غیرفعال بوده‌اند، به‌طور عمده به دو دلیل؛ تغییرات فرهنگی و اقتصادی

که در بالا به آنها اشاره شد و به ویژه در اثر بازی‌گری مخرب برخی نخبگان و جریان‌های سیاسی، به صورت نیمه‌فعال درآمده و اکنون به طور نسبی بر تحولات سیاسی ایران اثر می‌گذارند(ر.ک: قربانی، قیصری، ۱۴۰۰: ۶۳). تأکید بر برخی مطالبات مربوط به زنان، تلاش برای درگیرسازی بیشتر مناطق قومی و اهل سنت نشین مانند کردستان و سیستان و بلوچستان و همچنین، تحریک بیشتر یا نقش‌آفرینی گسترده‌تر جوانان در اعتراض‌های پاییز ۱۴۰۱ به این واقعیت برمی‌گردد.

۲-۲-۴. ماهیت و ساخت دولت

به دلیل ماهیت جامعه و شکاف‌های اجتماعی، ساخت دولت (نظام سیاسی) در ایران از برخی نقیضه‌ها رنج می‌برد؛ بدین ترتیب که چون جامعه از نقطه‌نظر صورت‌بندی شکاف‌های اجتماعی، تک‌شکافی و نظام حزبی هم به صورت دو حزبی مسلط می‌باشد، هر کدام از جریان‌های سیاسی فعال در کشور (که دو جریان عمده اصول‌گرا و اصلاح‌طلب است)، یک سر شکاف‌های اجتماعی را نمایندگی می‌کنند؛ اصول‌گرایان سمت سستی این شکاف و اصلاح‌طلبان سمت مدرن این شکاف را نمایندگی می‌کنند. به همین دلیل، هر کدام از این جریان‌ها که در انتخابات پیروز می‌شود، در اداره کشور بیشتر به خواسته‌های یک لایه جامعه بیش از لایه‌ی دیگر توجه می‌کند. بنابراین، ساخت دولت از این دوگانگی موجود در جامعه رنج می‌برد. در واقع، در این شرایط، دولت به جای آن که نماینده تعادل طبقات و لایه‌های اجتماعی باشد، در عمل ماهیت ابزارگونه پیدا می‌کند؛ یعنی به ابزار سلطه بخشی یا لایه‌ای از جامعه بر بخش یا لایه دیگر تبدیل می‌شود(ر.ک: بشیریه، ۱۳۸۰: ۹۶). پیامد این نقیصه، ناتوانی دولت‌ها در بهره‌برداری از تمام ظرفیت‌های موجود در جامعه، تضعیف کارآمدی سیاست عمومی، تضعیف اتصال و ارتباط دولت با تمام شهروندان و بنابراین، احساس بیگانگی میان آنها با دولت و تولید نارضایتی می‌باشد.

۲-۲-۵. جنگ شناختی

جنگ شناختی دشمنان نیز اگرچه عامل مستقلاً در ایجاد نارضایتی و اعتراض در ایران تلقی نمی‌شود، اما در نقش یک کاتالیزور، با سوار شدن بر نارضایتی‌های شکل گرفته در بستر جامعه ایران و دمیدن در احساس محرومیت نسبی، در تشدید سویه‌های رادیکال این نارضایتی‌ها و سوق دادن آنها به اعتراض تأثیرگذار است(ر.ک: مقدم‌فر، آهویی، ۱۴۰۰). به عبارت دقیق‌تر، با توجه به بسترهای

ایجاد و تشدید دوقطبی در فضای سیاسی اجتماعی کشور و تولید نارضایتی از این ناحیه، در جنگ شناختی تلاش می‌شود تا این نارضایتی‌ها بیش از همه جا متوجه ماهیت نظام سیاسی، راهبردها، سیاست‌ها و رفتارهای آن شود. برآیند این وضعیت می‌تواند تغییر ذهنیت و محاسبات شهروندان نسبت به نظام و کاهش سرمایه اجتماعی حاکمیت باشد (ر.ک: راجی، افتخاری، ۱۳۹۸: ۱۰۴) که در نهایت، تسریع اعتراض و تشدید روند نارضایتی‌ها به اعتراض‌ها را سبب می‌شود.

۲-۲-۶. گسیختگی مناسبات نخبگان سیاسی

با توجه به تغییر مناسبات میان بلوک‌های نخبگان سیاسی در جمهوری اسلامی ایران از حالت متحد به گسیخته، منازعه‌های آنها به جامعه سرریز شده، بیش از پیش به شکاف‌های اجتماعی گره خورده و دوقطبی کردن جامعه ایران را در پی داشته است. در این شرایط، هم مطالبات خاصی که ماهیت فرهنگی اجتماعی دارند مانند آزادی حجاب بیشتر زمینه طرح پیدا می‌کند و هم پتانسیل منازعه‌آمیز و غیرقابل حل شدن آنها بیشتر می‌شود (ر.ک: قیصری، قربانی، ۱۴۰۰: ۶۴). در واقع، کنش‌گری نخبگان سیاسی در این شرایط مبتنی بر فعال‌سازی شکاف‌های اجتماعی تعریف می‌شود. فعال یا نیمه‌فعال شدن شکاف‌های سنی، جنسی، قومی و مذهبی در ایران در سال‌های اخیر ریشه در این واقعیت دارد. بنابراین، گسیختگی مناسبات و روابط میان بلوک‌های نخبگان سیاسی و نوع کنش‌گری آنها در عمل که به مثابه دو طیف ناسازگار با هم مواجه می‌شوند و خصمت حذف و طرد در کنش‌های متقابل آنها برجسته است، در تقویت سویه‌های اعتراضی جامعه ایران اثرگذار است.

۲-۲-۷. تضعیف امید

با توجه به مشکلات موجود در کشور و به ویژه تحولات رخ داده در حوزه فرهنگی - اجتماعی، در کنار جنگ شناختی دشمنان، می‌توان ادعا کرد که میزان امیدواری نسبت به بهبود شرایط کشور و تحقق یک آینده مطلوب یا نسبتاً مطلوب در میان لایه‌هایی از جامعه به‌ویژه جوانان تضعیف شده است (ر.ک: پارسامهر، امامعلی‌زاده، ۱۴۰۱). به طور مشخص‌تر، با توجه به تعداد بالای جوانان تحصیل کرده و در عین حال، بیکاری آنها که سبب شده چشم‌انداز روشنی از آینده خود نداشته باشند و حتی تحقق برخی امور عادی مانند ازدواج، تهیه مسکن و... برای آنها دشوار شده است، طبیعی است که میزان امیدواری و نگاه خوشبینانه نسبت به وضع موجود و آینده کشور در میان آنها تضعیف شود. بنابراین، آنها از وضع موجود ناراضی بوده و چون چندان چیزی هم برای دست دادن ندارند،

تحت تأثیر جنگ شناختی دشمنان قرار گرفته و وارد اعتراض خیابانی هم می‌شوند.

۲-۲-۸. ضعف نهادهای واسط

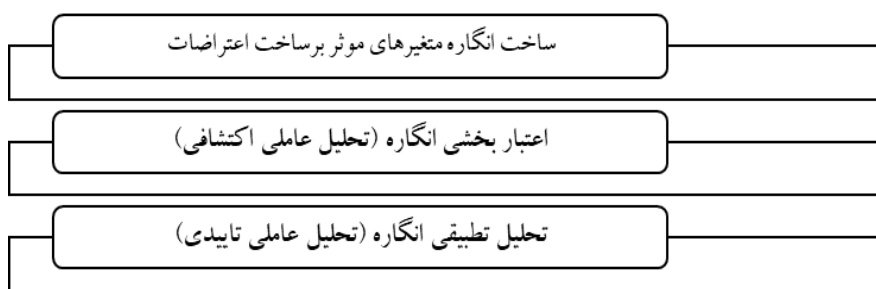
تشکل‌های مدنی در هر جامعه، با توجه به موقعیت‌شان در حوزه عمومی، در حکم مجاری ارتباطی میان حاکمان و توده‌های مردم عمل کرده و بنابراین، با وجود این تشکل‌ها، حاکمان با سهولت در جریان مسائل جامعه قرار می‌گیرند (نقیب‌زاده، ۱۳۸۰: ۹۳-۹۲). با وجود این کارویژه مهم، تشکل‌های مدنی و به‌ویژه احزاب و جریان‌های سیاسی در ایران از چند نقیصه جدی رنج می‌برند؛ اول آن که این تشکل‌ها فعالیت موسمی دارند. به عنوان مثال، احزاب و جریان‌های سیاسی در ایران صرفاً در برهه‌های نزدیک به انتخابات فعال می‌شوند. دوم آن که این تشکل‌ها به‌ویژه احزاب و جریان‌های سیاسی، نه تنها کارکردهای اجتماعی برای خود تعریف نکرده‌اند، بلکه بخشی از آنها، ماهیت جنبشی نیز پیدا کرده‌اند (ر.ک: قیصری، قربانی، ۱۴۰۲). بر این اساس، آنها یا کارویژه واسطه‌گری میان توده‌های مردم و حاکمان را نمی‌توانند انجام دهند یا آن که در جریان انعکاس مطالبات جامعه، آنها را در راستای دیدگاه‌های جنبشی خود کانالیزه می‌کنند. بنابراین، در ضعف نهادهای واسط، کمتر زمینه‌ای برای گفتگو با حاکمان پیرامون نارضایتی‌های جامعه فراهم شده است. همین نقیصه سبب تغییر شکل اعتراض‌ها در ایران شده است؛ بدین ترتیب که با شکل‌گیری اعتراض‌ها در ایران، به‌سرعت سویه‌های رادیکال و ساختارشکن آنها تقویت شده است. با توجه به آنچه گفته شد، نارضایتی‌های موجود در کشور از یک سو ریشه در وضعیت اقتصادی دارد و از سوی دیگر ریشه در صورت‌بندی ویژه شکاف‌های اجتماعی و تحولات فرهنگی جامعه داشته که ساخت خاص دولت در ایران و همچنین، جنگ شناختی دشمنان به آن دامن می‌زند و در ضعف نهادهای واسط، به‌سرعت ماهیت رادیکال و ساختارشکن می‌یابد.

۳. روش پژوهش: مدل‌سازی معادله ساختاری

این مطالعه از رویکرد مدل‌سازی معادله ساختاری که یک رویکرد چندفازی - چند روشی^۱ و تلفیقی از روش‌های کمی و کیفی گوناگون است، بهره برده است. در این رویکرد، در هر فاز یا هر گام از

^۱ Multi-Phase Multi-Method

تحقیق، یک روش جداگانه و به کمک نمونه‌برداری تصادفی و در دسترس، از سه نمونه مشارکت‌کننده استفاده می‌شود تا اهداف تحقیق در گام‌های مختلف محقق شود. در مطالعه حاضر برای کشف متغیرهای مؤثر در برساخت اعتراض‌ها در ایران و همچنین اعتباربخشی و کاربردشناسی یافته‌های حاصل از آن، از گام‌ها و فازهای گوناگونی استفاده شده است. به صورت مشخص، این پژوهش دارای سه گام اصلی کشف متغیرها، اعتباربخشی آنها و تحلیل ساختاری متغیرها است که به تفصیل در زیر تبیین شده است.



شکل ۳-۱. سه فاز اصلی تحقیق

۳-۱. فاز یک: ساخت انگاره متغیرهای مؤثر در برساخت اعتراض‌ها در ایران

بر اساس تحلیل عاملی تعقیبی، گام اول در انگاره‌سازی و کشف متغیرهای خام، یک گام کیفی است که خود دارای مراحل گوناگون است. در تحلیل عاملی تعقیبی، استخراج مؤلفه‌ها معمولاً از طریق جمع‌آوری داده‌ها از سه منبع مختلف شامل مرور نظام‌مند پیشینه تحقیق، مصاحبه نیمه ساختاریافته با نخبگان و سندپژوهی محقق می‌شود. برای رسیدن به متغیرهای مؤثر در برساخت اعتراض‌ها در ایران امروز، در مرحله نخست، با کاربست برخی کلیدواژه‌های مفهومی مرتبط با پدیده موردنظر و مطالعات در پایگاه استنادی مرتبط، گزیده‌ای از متغیرها در واحد مضمون یا عبارت مفهومی کشف و استخراج شد. همچنین، به استناد سؤالاتی که حیطه آن‌ها پوشش‌دهنده کلیات مرتبط با اعتراض‌ها بود، پنج مصاحبه نیمه ساختاریافته با نخبگان تحقیق انجام و متون مصاحبه‌ها مجدداً در واحد مضمون و عبارات مفهومی مورد تحلیل قرار گرفت. علاوه بر آن، برای حصول مجموعه جامع‌تری از متغیرهای مرتبط با پدیده موردنظر، سندپژوهی انجام گرفت که طی آن برخی اسناد منتشر شده در رابطه با برساخت اعتراض‌ها جمع‌آوری و تحلیل مضمون شد. همه این مضامین جمع‌آوری و به کمک تحلیل محتوا، کدگذاری شد و در نهایت ۳۲ مضمون کشف و شناسایی شد و بر اساس

دستورالعمل دورنیه و تاگوچی (۲۰۱۰) به شکل مقیاس لیکرت در اختیار گام اعتباربخشی قرار گرفت.

۲-۳. فاز دوم: اعتباربخشی و تحلیل تطبیقی انگاره برساخت اعتراض‌ها در ایران

اعتباربخشی انگاره برساخت اعتراض‌ها در ایران طی دو مرحله اصلی انجام گرفت که شامل تعیین پایایی و تعیین روایی است. در تعیین پایایی، در مطالعه حاضر با استفاده از نمونه اولیه شرکت‌کنندگان تحقیق و به کمک نرم‌افزار اسپاس‌اس، با استفاده از رویکرد محاسبه پایایی همبستگی پیرسون که متناسب داده‌های مقیاس لیکرت است، پایایی تحقیق بر مبنای شاخص کروناخ آلفا تعیین شد که نتایج آن در فصل نتایج تحقیق گزارش شده است. همچنین، با هدف مشخص کردن مؤلفه‌های انگاره موردنظر و همچنین متغیرهای ذیل هر مؤلفه، از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد، به گونه‌ای که پرسش‌نامه لیکرت ساخته‌شده میان نمونه دوم شرکت‌کنندگان توزیع و داده‌های حاصل از آن توسط رویکرد اکسپایش عاملی^۱ در نرم‌افزار اسپاس‌اس تحلیل شد و بر اساس چرخش و ریمکس^۲، تعداد مؤلفه‌ها و متغیرهای ذیل هر مؤلفه شناسایی و توصیف شد. تعداد مؤلفه‌ها بر اساس ارزش ایگن^۳ و متغیرهای ذیل هر مؤلفه نیز بر اساس بار عاملی، کشف و گزارش شد.

۳-۳. فاز سوم: تحلیل تطبیقی انگاره برساخت اعتراض‌ها در ایران

در گام نهایی از تحلیل عاملی تعقیبی که تحلیل عاملی تأییدی نام دارد، انطباق مدل بر ساخته‌شده با واقعیت‌های محیطی (در اینجا فضای حاکم بر اعتراض‌ها در ایران) تخمین زده شد. برای این منظور، پرسش‌نامه نهایی شده در گام پیشین، برای بار دوم بین نمونه جدیدی از شرکت‌کنندگان توزیع و پاسخ‌های به‌دست‌آمده وارد نرم‌افزار اسپاس‌اس شد و مورد تحلیل قرار گرفت. گراف نهایی انگاره نیز به کمک افزونه آموس استخراج شد.

۴. نتایج پژوهش

گام‌های پژوهش بر اساس شیوه اجرایی تبیین شده در بالا محقق شد و پس از رسیدن به اشباع نظری و تحلیل محتوا، شش مؤلفه اصلی به همراه ۲۹ متغیر اولیه شناسایی شد، اما پس از اعتباربخشی آنها

^۱ Factor Reduction

^۲ Varimax Rotation

^۳ Eigen Value

در تحلیل عاملی اکتشافی، نتایج تحلیل نشان داد که ساختار اعتراض‌ها در ایران دارای پنج محور اصلی (بر اساس ارزش ایگن) و ۲۰ متغیر (بر اساس بار عاملی) است. عاملیت‌پذیری داده‌ها که از مفروضات این فرایند تحلیلی است و همچنین محورها و متغیرها محقق‌کننده برساخت اعتراض‌ها در جداول زیر ارائه شده است.

مقیاس کی‌ام‌او برای کفایت نمونه	۰.۶۹۶
آزمون کرویت بارتلت	۳۹۲.۱۲۱
معناداری	۰.۰۰۲

جدول شماره ۱: بررسی عاملیت‌پذیری داده‌ها در تحلیل اکتشافی (منبع: نگارندگان تحقیق)

نتایج حاصل از جدول شماره یک نشان داد که بر اساس مقادیر به‌دست‌آمده در کفایت نمونه (بیشتر از ۰.۶) و معناداری (کمتر از ۰.۰۵) و مطابق دستورالعمل مشخص‌شده توسط پالانت (۲۰۱۶)، داده‌های به‌دست‌آمده قابلیت تحلیل عاملی اکتشافی در نرم‌افزار اسپاس را دارند. تحلیل داده‌ها در نرم‌افزار نشان داد که پنج مؤلفه (محور اصلی) و ۲۰ متغیر در برساخت اعتراض‌ها در ایران حضور دارند.

مؤلفه	شماره	متغیر	بار عاملی
اقتصادی	۱	افول اقتصادی حاکم بر کشور	۰.۹۲
	۲	عمومیت‌یافتگی توقعات فزاینده اقتصادی	۰.۹۱
	۳	عمومیت‌یافتگی احساس محرومیت نسبی	۰.۸۹
	۴	افول سرمایه اقتصادی طبقه متوسط شهری	۰.۸۹
فرهنگی -	۵	رشد سرمایه فرهنگی طبقه متوسط شهری	۰.۸۵
	۶	عمومیت‌یافتگی ارزش‌های طبقه متوسط شهری	۰.۹۳
نگرشی	۷	رشد پتانسیل‌های انتقادی-اعتراضی طبقه متوسط شهری	۰.۸۹
	۸	تقابل با نظام در حوزه‌های هویتی و سبک زندگی	۰.۸۷
اجتماعی	۹	فعال شدن شکاف‌های جنسی، قومی، سنی و مذهبی	۰.۹۳
	۱۰	متراکم شدن شکاف‌های اجتماعی	۰.۹۰

۰.۹۱	تشدید ماهیت ابزارگونه دولت	۱۱	ساختاری -
۰.۹۳	تضعیف کارکردهای دولت	۱۲	نهادی
۰.۹۳	تضعیف کارآمدی سیاست عمومی	۱۳	
۰.۹۰	گسیختگی نخبگانی	۱۴	
۰.۸۸	موسمی بودن تشکل‌های مدنی	۱۵	
۰.۸۳	عدم تعریف کارکردهای اجتماعی برای احزاب	۱۶	
۰.۹۳	جنبشی شدن برخی احزاب و جریان‌های سیاسی	۱۷	
۰.۹۲	تشدید احساس محرومیت نسبی	۱۸	رسانه‌ای -
۰.۸۸	تشدید سویه‌های رادیکال نارضایتی	۱۹	شناختی
۰.۹۰	تضعیف امید به آینده و القاء یاس	۲۰	

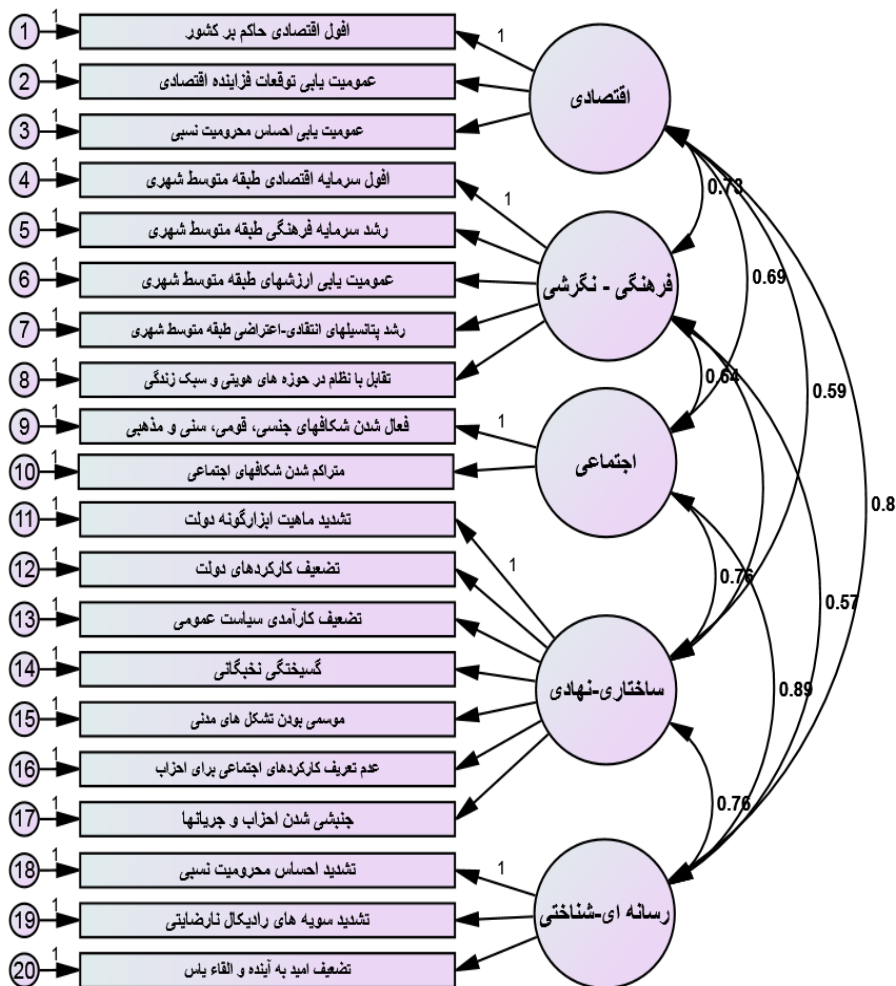
جدول شماره ۲: مؤلفه‌ها و متغیرهای برسازي اعتراضات در ایران (منبع نگارندگان تحقیق)

برای تطبیق مدل مذکور با واقعیت‌های محیطی از تحلیل عاملی تاییدی استفاده شد و شاخص‌های برازش انگاره بدست آمده از عوامل و متغیرها با واقعیت‌های جامعه ایران از طریق کسب نظر نخبگانی تطبیق داده شد و اطلاعات آن پس از وارد شدن در نرم افزار اسپاس‌اس مورد تحلیل قرار گرفتند که نتایج آن در جدول زیر و شکل متعاقب آن آمده است. در این مرحله و برای گرفتن نگاهت خروجی از اطلاعات وارد شده از افزونه آموس در نرم افزار مذکور استفاده شد.

شاخص	سطح مشاهده شده	سطح قابل قبول	نتیجه‌گیری
مربع خی	۱.۰۴	کمتر از ۳	قابل پذیرش
شاخص انطباق مبتنی بر نرم	۰.۹۴	بیشتر یا مساوی ۰.۹۰	قابل پذیرش
شاخص انطباق مقایسه‌ای	۰.۹۳	بیشتر یا مساوی ۰.۹۰	قابل پذیرش
ریشه میانگین مربعات خطاهای تخمین	۰.۰۳	کمتر از ۰.۰۵	معنادار

جدول شماره ۳: تعیین انطباق یافته‌ها با بافت ایران بر اساس شاخص‌های برازش تحلیل عاملی تاییدی

نتایج حاصل از جدول شماره ۳ نشان داد که بر اساس نظرات نخبگان در پرسش‌نامه لیکرت نهایی - شده، مولفه‌ها و متغیرهای حاصل شده در گام تحلیل عاملی اکتشافی، با واقعیت‌های اعتراضات دوره‌های اخیر در ایران سازگاری دارد. برای ارائه تصویر جامع از جزئیات و برهم‌کنش این متغیرها و عوامل، نگاشت حاصل از این متغیرها در نرم‌افزار آموس استخراج شد که در شکل زیر نشان داده شده است.



شکل شماره ۱. انگاره نهایی و اعتباربخشی شده از متغیرهای موثر در شکل گیری اعتراضات در ایران

۶. راه‌کارهای حل مساله

با توجه به آنچه گفته شد، دلایل نارضایتی‌ها و رشد پتانسیل‌های اعتراضی در جامعه، صرفاً اقتصادی نیست. بنابراین، در بحث چه باید کرد و چگونگی مواجهه با این وضعیت باید راه‌کارهای چندوجهی مدنظر باشد. در این زمینه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تبیین دقیق و ظریف شرایط جنگ ترکیبی جبهه دشمنان
- ثبات‌بخشی به شرایط بازار با کنترل تورم
- تلاش برای نظارت جدی بر فعالیت جریان‌های سیاسی از نقطه‌نظر گره‌نزدن رقابت‌های خود به شکاف‌های اجتماعی
- دقت و حساسیت در رهاسازی دولت از منازعه میان نخبگان و جریان‌های سیاسی و تقویت منزلت و جایگاه آن به عنوان کانون حل منازعه
- تقویت کارویژه‌های پاسخگویی مسئولان به دو منظور؛ مقابله و خنثی‌سازی جنگ شناختی دشمنان و پاسخگویی معتبر به مطالبات جامعه به‌ویژه در بعد اقتصادی
- ایجاد انبساط نسبی در فضای فرهنگی - اجتماعی کشور به‌ویژه با میدان دادن به جریان‌ها و فعالان همگرا در این زمینه
- تقویت مجاری ارتباطی مسئولان با مردم به منظور شکل‌گیری مفاهمه میان آنها
- ارج نهادن به نقد و منتقدان

در عین حال، مبارزه با فساد اداری و روابط کالایی در بستر ساختارهای اداری، زمینه‌سازی بیش از پیش برای چرخش نخبگان و جوان‌گرایی در اداره کشور، انعطاف و روزآمدسازی سیاست‌های فرهنگی کشور، پرهیز از نگاه‌های صفر و صدی در حوزه فرهنگی، راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات به منظور پایان دادن به استعمار مجازی (پلتفرمی) در ایران، تبیین دستاوردهای نظام جمهوری اسلامی در پاسداشت حقوق زنان، اهل سنت، اقلیت‌های مذهبی، آزادی بیان و... تبیین دستاوردهای جمهوری اسلامی در خدمت‌رسانی به اقصی نقاط کشور و... نیز ضمن خنثی‌سازی بخش مهمی از جنگ شناختی دشمنان، در تلطیف فضای فرهنگی اجتماعی کشور و تخلیه سوبه‌های انتقادی - اعتراضی آن اثرگذار خواهد بود.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر تلاش شد تا ضمن شناسایی و وزن‌دهی به متغیرهای مختلف شکل‌دهنده به اعتراض‌های اجتماعی در ایران، راه‌کارهای حل‌ورفع بسترها و متغیرهای ایجاد اعتراض در ایران نیز ارائه شود. بر این اساس، با مرور نظام‌مند پیشینه تحقیق، مصاحبه نیمه ساختاریافته با نخبگان و سندپژوهی، ۳۲ گزاره ابتدایی کشف، شناسایی و اعتباربخشی شد. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد که بر اساس ارزش ایگن، پنج محور اصلی (اقتصادی، فرهنگی - نگرشی، اجتماعی، ساختاری - نهادی و رسانه‌ای - شناختی) و بر اساس بار عاملی، ۲۰ متغیر ذیل آنها، در بساخت اعتراض‌ها در ایران نقش دارند که مبتنی بر نتایج حاصل از تحلیل عاملی تأییدی، انطباق معناداری با واقعیت‌های محیطی اعتراض‌ها در ایران دارند. بر این اساس، واقعیت اعتراض‌های اجتماعی در ایران را نمی‌توان به‌صورت تک‌متغیره تحلیل کرد، بلکه اعتراض‌ها در ایران امروز برساخته متغیرهای متعددی هستند که برای رفع بسترهای شکل‌گیری آنها باید تلاش شود تا به‌صورت همه‌جانبه و معطوف به بسترهای متعدد اعتراض، اقدامات لازم صورت گیرد. برای مواجهه کارآمد و توفیق در رفع این بسترهای اعتراضی، در گام نخست باید واقعیت وجود اعتراض اجتماعی در ایران امروز پذیرفته شود و سپس، معطوف به بسترهای خاص اعتراض در هر حوزه، راه‌کارهای دقیق اتخاذ شود. شرط توفیق در اتخاذ و اجرای این راه‌کارها، همراه بودن با اجماع نخبگانی و عمومی است که این مهم در سایه تقویت ماهیت تعادل‌بخش دولت در ایران امکان‌پذیر است. در پایان پیشنهاد می‌شود تا سایر پژوهشگران به ابعاد دیگر این موضوع با تمرکز بر چگونگی از بین بردن بسترهای اعتراضی در ایران امروز در حوزه‌های مختلف از جمله، در زمینه سیاست‌گذاری دولت‌ها، تشکل‌های مدنی به‌ویژه احزاب و جریان‌های سیاسی، حل مشکلات اقتصادی، مواجهه با طبقه متوسط شهری، حل کارآمد مشکلات اقتصادی، مواجهه با جنگ شناختی، تقویت امید و اعتماد و... بپردازند.

منابع

- بشیریه، حسین (۱۳۸۰)، آموزش دانش سیاسی، تهران: نگاه معاصر
- بشیریه، حسین (۱۳۸۹)، جامعه‌شناسی سیاسی، چاپ شانزدهم، تهران: نی
- پارسامهر، مهربان، امامعلی‌زاده، حسین (۱۴۰۱)، «وضعیت و روند امید در جامعه ایران براساس داده‌های پیمایش‌های ملی»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۲۳، شماره ۳، صص ۲۸-۳
- حسین‌پور، روح‌اله، رشیدی، احمد (۱۴۰۰) در مقاله «اعتراضات دی ماه ۹۶ از منظر تئوری جامعه شبکه‌ای»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره ۱۰، شماره ۳۹، زمستان، صص ۱۴۰-۱۰۹
- حسینی‌زاده آرانی، سیدسعید و دیگران (۱۴۰۱)، در مقاله «تحلیلی بر ریشه‌های اجتماعی شکل‌گیری و بروز نارضایتی‌های اجتماعی در ایران (مطالعه موردی شهروندان تهرانی)»، فصلنامه امنیت ملی، دوره ۱۲، شماره ۴۳، صص ۲۶۰-۲۲۷
- دیتز، آپ کارل (۱۳۹۵)، جنبش اجتماعی و اعتراض سیاسی؛ نظریه‌ها و رویکردها، ترجمه مجید عباسی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- راجی، محمدهادی، افتخاری، اصغر (۱۳۹۸)، جنگ ترکیبی غرب در برابر جمهوری اسلامی ایران (تحلیل ابعاد و روش‌ها)، سیاست دفاعی، سال بیست و هشتم، شماره ۱۰۹، زمستان
- سردارنیا، خلیل‌اله، البرزی، هنگامه (۱۴۰۱)، «تحلیل اعتراضات صنفی - اجتماعی اخیر در ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶) از منظر نظریه سیاست خیابان»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره ۱۱، شماره ۴۰، بهار، صص ۱۵۰-۱۰۷
- «قدرت خرید هر ایرانی نسبت به سال ۹۰ حدود یک‌سوم کاهش یافت»، در: <https://fararu.com/fa/news/569388>
- قربانی، سیدایمان، شیری، طهمورث (۱۴۰۰)، «محرمیت نسبی و ظرفیت‌سازی برای بحران اجتماعی: مطالعه موردی حوادث ۱۳۹۶»، پژوهش اجتماعی، سال سیزدهم، شماره ۵۱، تابستان
- قربانی، مصطفی، مصطفی‌پور، احسان (۱۴۰۱)، «آینده پژوهی انقلاب اسلامی با نگرشی به تحولات فرهنگی - اجتماعی ایران امروز»، فصلنامه راهبرد، سال ۳۱، شماره ۳، پیاپی ۱۰۴، پاییز، صص ۵۶۲-۵۳۳
- قیصری، نوراله، قربانی، مصطفی (۱۴۰۰)، «گفتمان‌های هویتی و منازعات نخبگان سیاسی؛ الگوی نظری تبیین منازعات نخبگان سیاسی در ج.ا.ا»، پژوهش‌های سیاست اسلامی، سال نهم، شماره بیستم،

پاییز و زمستان، صص ۶۸-۴۴

قیصری، نوراله، قربانی، مصطفی (۱۴۰۲)، «گفتمان‌های هویتی و منازعات نخبگان سیاسی در جمهوری اسلامی

ایران: ۱۳۷۶-۱۳۹۸»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره ۱۲، شماره ۴۵، تابستان، صص ۵۸-۷

گر، تد رابرت (۱۳۷۷)، چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟ ترجمه علی مرشدی‌زاد، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی

محمدی خانقاهی، محسن، کشاورز شکری عباس، غفاری هنجین، زاهد (۱۴۰۲)، «تحلیل لایه‌های علی نارضایتی اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره ۱۲، شماره

۴۶، پاییز، صص ۸۴-۴۷

مصلی‌نژاد، عباس (۱۴۰۰)، «دولت، توسعه و بحران‌های اجتماعی ایران ۱۳۹۸-۱۳۷۱»، فصلنامه سیاست،

دوره ۵۱، شماره ۲، تابستان، صص ۵۸۷-۵۶۵

مقدم‌فر، حمیدرضا، محسنی آهویی، ابراهیم (۱۴۰۰)، جنگ شناختی؛ علم پیروزی در نبرد ذهن‌ها، تهران: خبرگزاری تسنیم

نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۰)، درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی، چاپ دوم، تهران: سمت

نیری، هومن، ربیعی، ابودر، سمیعی اصفهانی، علیرضا (۱۳۹۸)، «تغییرات سرمایه فرهنگی و اقتصادی طبقه متوسط جدید و تأثیر آن بر رفتار سیاسی این طبقه در ایران پس از انقلاب (۱۳۹۷-۱۳۸۴)»،

جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال دوم، شمار سوم (پیاپی ۷)، پائیز، صص ۱۳۹-۱۰۷

وحدت، فرزین (۱۳۸۲)، رویارویی فکری ایران با مدرنیته، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: ققنوس

Bayat, Asef (2010), *Life as Politics: How Ordinary People Change the Middle East*, Second Edition second Edition, Stanford University Press